



اروپایی‌ها بعد از کاهش تعهدات برجامی ایران به‌خاطر خروج آمریکا

در سال دوازدهم برجام چه احتمال‌هایی وجود دارد

# چاه ویل اسنپ‌بک

از برجام، ابزار فشار مکانیسم ماشه را روی میز گذاشتند. تهدید شورای حکام به اینکه پرونده ایران به شورای امنیت می‌رود هم در این چهارچوب مورد توجه قرار داشته است. الان اما با توجه به زمان بهره‌مندی ایران از بندهای غروب برجام، فشار اروپایی‌ها هم بیشتر شده است و در این



## خسروشاهین: شکل‌گیری مذاکره در قالب ۱+۵دیگرممکن نیست

خسروشاهین ابتدا به این موضوع اشاره کرد که فضای بین‌الملل، تفاوت جدی با زمان انعقاد برجام پیدا کرده و دیگر نمی‌توان با همان اصول سابق وارد مذاکره شد و گفت: «نکته حائز اهمیت درخصوص داستان برجام و چشم‌اندازی که وجود دارد، این است که باید ابتدا یک نکته را روشن کنیم که برنامه جامع اقدام مشترک در چه محیط بین‌المللی، توافق شد و به امضا رسید. در تابستان ۲۰۱۵ که برجام به امضا رسید و در ژانویه ۲۰۱۶ اجرایی شد، فضای بین‌المللی، فضای مبتنی بر اجماع بین قدرت‌های بزرگ بود. ضمن وجود برخی رقابت‌ها در حوزه‌های محدود و تعریف شده، در کلان مسائل در سیاست بین‌الملل مثل داشتن سلاح‌های هسته‌ای بین قدرت‌های بزرگ اجماع وجود داشت. در قطعنامه‌هایی که شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران به تصویب رساند، شاهد بودیم روس‌ها و چینی‌ها مشارکت می‌کردند و برخلاف تفسیر خاص دولت وقت در ایران، یعنی دولت احمدی‌نژاد که تصور می‌کرد روسیه و چین به این قطعنامه‌ها رأی نخواهند داد، به دلیل اینکه شناخت و درک درستی از محیط بین‌المللی در آن مقطع زمانی حاکم نبود، این قطعنامه‌ها با مشارکت روسیه و چین به تصویب رسیدند. به‌ویژه قطعنامه‌هایی که ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد، ماده ۳۹، ۴۰ و ۴۱ منتشر شدند. نکته حائز اهمیت این است که برنامه جامع اقدام مشترک، اساساً شکل‌گیری گروه ۵+۱ را گواهی می‌دهد که این اجماع در موضع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای وجود داشته است. اما به‌ویژه بعد از جنگ اوکراین، اتفاقی که می‌افتد این است که این اجماع میان قدرت‌های بزرگ از میان می‌رود. البته نشانه‌ها و شواهدی داریم که حتی قبل از جنگ اوکراین این اجماع در عمل از میان رفته بود، زمانی که در ۲۰۱۷ سال اول دولت ترامپ، سند امنیت ملی آمریکا منتشر شد و در آنجا دو جمله کلیدی وجود داشت؛ جمله اول کلیدی، این بود که عصر مبارزه با تروریسم به پایان رسیده و عصر رقابت با قدرت‌های بزرگ آغاز شده است، اگر بعد از جنگ سرد همه اسناد امنیت ملی آمریکا را مرور کنید، چنین جمله‌ای را پیدا نمی‌کنید. همه اسناد قبل از آن به همکاری بین قدرت‌های بزرگ تکیه دارد. برای اولین بار در سال ۲۰۱۷ است که در سند امنیت ملی یعنی با عالی‌ترین سند امنیت ملی و سیاست خارجی آمریکا در (ادمنیستریشن ترامپ) به‌ویژه این ادبیات منعکس می‌شود. این ادبیات در سند امنیت ملی بایدن در اکتبر ۲۰۲۲ تثبیت می‌شود، بنابراین محیط و فضا کاملاً دگرگون شده است.»

میان نتیجه انتخابات آمریکا در تعیین رفتار اروپایی‌ها بی‌تاثیر نخواهد بود. اگر همین روند ادامه پیدا کند، اکتبر ۲۰۲۵، اسنپ‌بک برقرار می‌شود و همه تحریم‌ها علیه ایران به قبل از امضای برجام برمی‌گردد. در این مدت اما رفتار اروپا و ایران و باز شدن یا نشدن کانالی برای مذاکره می‌تواند

- تشکیل دوباره ۵+۱ تقریباً غیرممکن است**

خسروشاهین معتقد است امکان شکل‌گیری دوباره روند مذاکره ۵+۱ وجود ندارد و گفت: «یکی از دلایلی که ترامپ را ترغیب کرد مهر پایانی بر تاریخ انقضای برنامه جامع اقدام مشترک در ماه می ۲۰۱۸ بزند تنفس در فضای جدیدی بود، بنابراین در این قالب و چهارچوب باید انتظارآتمان را تنظیم کنیم. شکل‌گیری دوباره گروه ۵+۱ برای مسئله هسته‌ای و تحریم‌ها اگر نگوییم کاملاً غیرممکن است، تقریباً چنین است، بنابراین برای داستان رفع تحریم‌ها نیاز به فرمول جدیدی داریم. این فرمول جدید، باید یا از طریق مراده و مذاکره با غرب انجام شود یا از طریق راهکارهایی که در تهران به‌عنوان راهکارهای خنثی‌سازی تحریم‌ها عمل کرده که البته نتایج خنثی‌سازی تحریم‌ها را تا امروز مشاهده نکرده‌ایم. ما شاهد گشایش‌های مالی و اقتصادی گسترده نیستیم، حتی در رابطه با همکاران و متحدان خودمان، مثل چین. چین در این قالب و به‌دلیل تحریم‌هایی که وجود دارد، حاضر نیست توافق ۲۵ ساله با ایران را به مرحله عملیاتی و اجرایی برساند، بنابراین باید فرمول جدیدی را تعریف کنیم که در آن حتماً ۵+۱ دیگری وجود نخواهد داشت. ما باید حتماً روی بازیگران و کشورهایی تمرکز کنیم که ابزار و اهرم تحریم دستشان است که مشخصاً آمریکا و اتحادیه اروپاست. هم اهرم مهم‌تری در دست دارند و آن اهرم اسنپ‌بک است که بر پایه قطعنامه ۲۲۳۱تعریف شده که تاریخ انقضای آن هم تا اکتبر ۲۰۲۵ فراخواهد رسید. اما در چنین فضای جدیدی، حل مسئله هسته‌ای و رفع رژیم تحریم‌های غرب علیه ایران، هم پیچیده و هم دشوارتر شده است. دلیل این پیچیدگی و دشواری این است که دیگر بین قدرت‌های بزرگ اجماع وجود ندارد. اگر اجماع وجود داشت، مسئله خیلی سریع حل می‌شد و باید می‌نشستید و با قدرت‌های بزرگ صحبت و مسئله را حل می‌کردید ولی همین رقابتی که بین قدرت‌های بزرگ در مورد قصه اوکراین وجود دارد و ادعاهایی که در مورد حمایت‌های ایران از روسیه در جنگ اوکراین مطرح می‌شود، به پیچیدگی‌هایی که در رابطه ما با آمریکا و حتی با اروپا هم اضافه می‌کند. سطح روابط کلان با اروپا به‌طور کلی دارد به قبل از دولت اصلاحات یعنی دوم خرداد ۷۶ و اتفاقاتی که بعد از دادگاه میکونوس برگزار شد، برمی‌گردد و روابط با بروکسل را به آن سطح می‌رساند. الان رابطه با آلمان و اتفاقاتی که درخصوص موضع‌گیری اروپایی‌ها در ارتباط با جزایر سه‌گانه و منافع حیاتی ایران داشتیم. این موارد، در ۱۵ سال گذشته، در روابط با اروپایی‌ها بی‌سابقه بوده است.»

- همه تخم‌مرغ‌هایمان را در تداوم رقابت با قدرت‌های بزرگ قرار ندهیم**

خسروشاهین درخصوص واکنش ایران در صورت فعال شدن اسنپ‌بک می‌تواند چه باشد نیز توضیح داد: «قرار گرفتن دوباره ایران ذیل فصل هفتم، حتماً عوارض حقوقی، سیاسی و امنیتی دارد. فصل هفتم، مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی و کشورهایی است که صلح و امنیت بین‌المللی را تخریب می‌کنند. ماده ۴۲ آن فصل و منشور ملل متحد، اشاره آشکاری بر اعمال زور علیه کشوری دارد که تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی است. در دوره قبل که اجماع میان قدرت‌های بزرگ بود، این توافق انجام نشد که قطعنامه ذیل ماده ۴۲ صادر شود، یعنی موارد به ابزارهای تنبیهی دیگر به غیر از اعمال زور مثل تحریم‌ها محدود می‌شد. در فضای موجود که اجماعی وجود ندارد، تصمیم‌گیری و ارتقای پرونده ایران، ذیل مواد ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ دشوارتر می‌شود. الان در بسیاری از پرونده‌های بین‌المللی در سازمان ملل تقریباً بن‌بست حاکم است، یعنی تجربه دهه ۱۹۵۰ در شورای امنیت، دوباره درحال بازتولید و تکرار است. در ۱۹۵۰ تصمیمات شورای امنیت در همه جنگ‌های منطقه‌ای تقریباً قفل شده بود و کشورها قادر به تصمیم‌گیری نبودند.

بنابراین ممکن است عارضه قرار گرفتن ذیل ماده ۴۲ را در کوتاه‌مدت نداشته باشد ولی فراموش نکنیم در فضای گذار در نظام بین‌الملل قرار داریم و در صورت شکل‌گیری فضایی چون فضای کنستری از قدرت‌های بزرگ مانند قرن ۱۹ در نظام بین‌الملل که قدرت‌های بزرگ در عین رقابت با یکدیگر همکاری داشتند و نظم چندقطبی را شکل می‌دادند، می‌تواند تاریخ مصرف کوتاه‌مدتی داشته باشد. ما باید مقداری بلندمدت‌تر فکر کنیم و همه تخم‌مرغ‌هایمان را در تداوم رقابت قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه در حوزه موضوع تحریمی نگذاریم، چون منطق رقابت قدرت‌های بزرگ با منطق رقابتی که با قدرت‌های منطقه‌ای مثل ایران دارند، کاملاً متفاوت است. این‌ها گاهی اوقات معاملات بی‌رحمانه‌ای برای تأمین منافع خودشان یا محدود کردن رقابت بین خود تعریف می‌کنند. خاطرات قرون ۱۹ و ۲۰، مثل قرارداد ۱۹۰۷ که ایران را به شمال و جنوب تقسیم کردند، در فضای حقوقی از دوران گذار قابلیت تکرار دارد و اتفاقاً در نظام‌های چندقطبی، احتمال به وقوع پیوستن این معاملات بی‌رحمانه و قربانی کردن منافع و امنیت قدرت‌ها توسط قدرت‌های بزرگ افزایش چشمگیری پیدا می‌کند.»

## رحمان قهرمان‌پور: اسنپ‌بک به کشورهایی که با آن‌ها تعامل داریم هم فشار وارد می‌کند

کنیم که بیشترین امتیاز را بگیریم و کمترین امتیاز را بدهیم، اینکه چه امتیازی خواهیم داد و چه امتیازی خواهیم گرفت بستگی دارد به اینکه چه امتیازی بدهیم، چه امتیازی بگیریم. اگر استراتژی نظامی ما مذاکره باشد تاکنیک این خواهد بود که بیشترین امتیاز را بگیرد و کمترین امتیاز را بدهد. اینکه تفسیر از امتیاز چیست، بحث دیگری است.»

قهرمان‌پور درخصوص اینکه اساساً امکان مذاکره از طرف آمریکایی‌ها فراهم خواهد شد یا خیر نیز گفت: «بستگی دارد به شرایط و طبیعتاً آمریکا هم مشتاق مذاکره با ما نیست. اما مسئله این است که مسیرهای دیگری وجود ندارد. اگر مذاکره نکنیم چه می‌شود؟ حتماً می‌دانیم که طرف مقابل دنبال چیست. ممکن است تصمیم نظام حکمرانی این باشد که حرکتی انجام دهد، دست بالاتر را داشته باشد تا در مذاکره امتیاز بیشتری بگیرد، اما مسئله اصلی این است که

از نظر برد و مشروعیت و اثرگذاری با تحریم‌هایی که داریم متفاوت است، درنتیجه یک موج سنگین تحریم‌ها اعمال خواهد شد که طبیعتاً در بازار و فضای داخلی تأثیر دارد و قطعی است. از آن طرف این را که مذاکره کنیم و حتماً موفق خواهد بود نمی‌دانیم، حتماً شرایط مذاکره هم سخت است، چون آمریکا و ترامپ نمی‌خواهند در این شرایط امتیاز زیادی به ما بدهند و به قول معروف، سیاست فشار حداکثری است. بنابراین هر دو مسئله روشن است و نتیجه این است که چه مذاکره کنیم چه نه، شرایط سخت است و اینطور نیست که بگوییم اگر مذاکره نمی‌کنیم مکانیسم ماشه برنمی‌گردد و اتفاق خاصی نمی‌افتد، از این طرف هم اگر مذاکره می‌کنیم، نباید انتظار داشته باشیم که یک بازی برد، بردی رخ دهد. طبیعتاً ترامپ می‌خواهد از فشار حداکثری استفاده کند، باید ببینیم در دو قطب و سناریو چه اتفاقی رخ خواهد داد. ما باید مذاکره‌ای

اگر مذاکره نکنیم، چه کنیم؟ الان چهارسال قبل نیست و تیم ترامپ حرفه‌ای تر شده، تیم رادیکال‌تر است. دامنه تحریم‌ها گسترش پیدا کرده است. روسیه و چین هم گرفتارند و گزینه‌ها محدود است.»
قهرمان‌پور درخصوص اینکه در صورت فعال شدن اسنپ‌بک ایران می‌تواند چه واکنشی نشان دهد، گفت: «واکنش‌های زیادی می‌توان نشان داد اما مسئله هزینه- فایده است. شما می‌توانید از آن‌پی‌تی، خارج شوید ولی وارد فضای دیگری می‌شوید و چین و روسیه هم حمایت سابق را نخواهند داشت. عرصه بین‌الملل، عرصه رقابت و استفاده از فرصت هاست. طبیعتاً کسی دلش به حال ما نمی‌سوزد که بگوید حالا که ایران در موقعیت ضعیفی قرار دارد، ۱۰ میلیارد به آن کمک کنیم. آن وضعیت ما را به وضعیت بحرانی جدید می‌برد، مگر اینکه تصمیم این باشد که تحت هر شرایطی هزینه این اقدام را بدهد که نشانه‌هایی از این دیده نمی‌شود.»

بازگشت تحریم‌ها قطعی است و گفت: «مسئله این است

که در اکتبر ۲۰۲۵ اسنپ‌بک رخ می‌دهد و احتمال اینکه درصورت عدم مذاکره، اسنپ‌بک فعال شود، وجود دارد و احتمال آن هم زیاد است. با توجه به مواضع اروپا و آمریکا، همچنین این موضوع که اروپا مانع این کار شد، این بار در ۲۰۲۵ و ادامه وضع موجود، بازگشت تحریم‌ها تقریباً قطعی است. این در صورتی است که کاری انجام نشود و مذاکره‌ای صورت نگیرد، تنش‌ها ادامه پیدا کند. بازگشت مکانیسم ماشه به معنی بازگشت تحریم‌های سازمان ملل است که دیگر تنها شامل تحریم‌های آمریکا نیست و فشار مضاعفی روی کشورهایی مثل چین و روسیه و عراق که با ما معامله می‌کردند، وارد خواهند کرد که مجبوند به شورای امنیت درخصوص اجرای تحریم‌ها گزارش دهند، بنابراین جنس تحریم‌های شورای امنیت

## غلامزاده: امکان به نتیجه رسیدن یک توافق جامع وجود ندارد

که از موضع بالا وارد مذاکره شویم و متن را رو روی میز مذاکره بگذاریم، ما صحنه گردان مذاکره باشیم؛ متأسفانه این ساختار را در مذاکرات بین‌الملل نداریم.»

- باید به دنبال بازکردن مسیرهای تازه باشیم**

غلام‌زاده در خصوص اینکه در صورت فعال شدن اسنپ‌بک رفتار ایران می‌تواند چه باشد، گفت: «سال قبل مشابه این موضوع را دیدیم، که محدودیت‌های موشکی برداشته شد و اروپایی‌ها رأسا این موضوع را برگرداندند و خودشان اعمال کردند. در حالی که الان برمیانی قواعد بین‌الملل ایران محدودیت موشکی ندارد. مسئله این است که باید این نگاه و فهم را در رویکرد سیاست خارجی‌مان داشته باشیم که این کشورها، همه دنیا نیستند. قواعد بین‌المللی داریم که باید در خدمت منافع ما باشد و آن را خودمان دنبال کنیم. نه اینکه بخواهیم اینها را ولو اینکه قدرت بیشتری داشته باشند راضی نگه داریم. این طور نیست. باید در یک سال و اندی از آنها مطالبه می‌کردیم که چرا قواعد بین‌الملل را کنار گذاشتند و تحریم‌های یکجانبه انجام دادند، اتفاقاً می‌توانستیم از این فرصت استفاده کنیم که موشک بفروشیم که این کار را نکردیم. چون چشم ما به چند کشور به طور محدود بوده که با اینها کنار بیاییم و اینها را راضی کنیم؛ این رویکرد غلط است و اولین

اشتباه است. ما باید ابتدا مطالبه‌گر باشیم و دیگر اینکه اتکا به قوانین بین‌الملل پذیرفته شده باشد و از آن استفاده کنیم. قواعد بین‌المللی، فدای منافع ملی است. پافشاری بر قوانین باید در دستور کار جدی ما باشد. فشارهای سیاسی باید در دستور کار ما باشد. اساسی‌تر این است که باید مسیریهای جدیدی باز شود. موضوع نظم نوین جهانی که مطرح می‌شود، هندسه قدرت را تغییریه داده است. دیگر جغرافیای قدرت، به شکلی نیست که قدرت‌ها تعیین‌کننده باشند. این کشورها جزء کشورهای مؤثر هستند. اتفاقاً ایران به کشورهای مؤثر تبدیل شده اما اعتماد به نفس این را ندارد. امثال بریکس و شانگهای و ائتلاف‌های دیگر با همسایگان، که ادبیات آن در دوره شهید رئیسی ایجاد شد؛ همین مسیر باید به عنوان ابزارهای کاربردی دیپلماسی تعریف شود که آنها احساس نکنند ایران نیاز دارد ارتباط خود را با اروپا برقرار کند.

نه با آنها ارتباط داریم و نه ارتباط اقتصادی داریم که بخواهیم با آنها کار کنیم. نه فقط ما بلکه بخش عمده دنیا به دنبال راه‌های جایگزین می‌گردند. همین روال را ما هم می‌توانیم انجام دهیم. در جریان بحران مالی ۲۰۰۹ که دامنه آن به همه دنیا رسید و آسیایان و استرالیا تقریباً ورشکسته شدند و آلمان هم به آنها کمک کرد، همه کشورها فهمیدند که دیگر دلار قابل اتکانشیت و باید برای آن جایگزین پیدا کنند. مسئله تحریم نیست، مسئله غیرقابل اتکا بودن دلار است و سازوکارهایی که

- شرایط برای به نتیجه رسیدن توافق جامع وجود ندارد**

غلام‌زاده در خصوص اینکه آیا به نتیجه رسیدن یک توافق جامعه ممکن است یا خیر، گفت: توافق جامع و فراگیر مثل برجام دیگر میسر نخواهد بود، کم‌اینکه برجام هم موفق نبود و اوایا هم به آن عمل نکرد. مسئله این است که در وضعیت فراگیر، شرایط دنیا، ایران، اروپا و آمریکا به نفع امضای مذاکره و رسیدن به یک توافق نیست. آقدر تضاد منافع وجود دارد که نمی‌شود به یک توافق جامع رسید. مگر اینکه توافق‌های کوچک و موضوعی قابل دسترسی باشد، مورد به مورد، نه اینکه همه مشکلات بشريت را با مذاکره حل کنیم؛ اما با توافق‌های مقطعی و کوچک می‌توان به نتیجه رسید؛ و چنانچه دستاوردی که ایران به دست می‌آورد مشخص باشد، شاید این میسر دنبال شود.»